

## ارتباط لیلۃ القدر و حجت معصوم الهی با رویکرد تاویلی و محوریت سوره دخان

معصومه آعبداللہ<sup>1</sup>

مجید معارف<sup>2</sup>

(تاریخ دریافت مقاله: 97/10/16 - تاریخ پذیرش مقاله: 98/6/16)

### چکیده

وحی و نزول قرآن در شبی مبارک و تفریق همه امور در همان شب، از جمله مسائلی است که در آیات ابتدایی سوره دخان از سور حوامیم سبعة ذکر شده است. با قرینه سازی نزول قرآن در شبی مبارک و آیات ابتدایی سوره قدر مشخص می‌شود که «الیلة مبارکه» همان «الیلة القدر» است که شبی از شبهای ماه رمضان است که خود ظرف زمانی نزول قرآن است. (البقره، 185) فراتر از تفسیر آیات ابتدایی سوره‌های دخان و قدر، این آیات با رویکرد تاویلی نیز حامل حقایق مهمی است. از جمله آنکه بر طبق برخی از روایات «حم» بر رسول خدا (ص)، «کتاب مبین» بر حضرت امیر (ع) «الیلة مبارکه» بر حضرت زهرا (ع) و «اکل امر» - در آیه: «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» - بر حجج معصوم الهی انطباق یافته‌اند. در این تاویلات ارتباط قرآن با اهل بیت (ع) مورد تأکید قرار می‌گیرد که در بیانات صریح رسول خدا (ص)، حدیث تقلین بازگوکننده آن است. چگونگی ارتباط «الیلة مبارکه» و «حجت معصوم الهی» با رویکرد تاویلی موضوعی است که در مقاله حاضر و با استناد به اشارات آیات و روایات مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: لیلۃ مبارکه، شب قدر، حجت الهی، امر، دخان، رویکرد تاویلی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

1. فارغ التحصیل دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

[maaref@ut.ac.ir](mailto:maaref@ut.ac.ir)

2. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران (نویسنده مسئول):

## 1- طرح مساله

در دو سوره دخان (آیات ابتدایی) و قدر موضوعات متعددی از جمله: نزول قرآن، فضیلت شب قدر، تعیین مقدرات، نزول ملائکه به همراه روح و قرین بودن شب قدر تا طلوع فجر با سلامتی و برکت مورد بحث قرار گرفته است. علاوه بر دو سوره یاد شده، آیه دوم سوره نحل که می‌فرماید: «يُنزِلُ الْمَلَائِكَةُ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ...» اشاره به این مطلب دارد که در نزول ملائکه و روح به عالم دنیا، بندگانی از مخلوقات الهی نیز وجود دارند که احیاناً در محور و مرکز نزول ملائکه قرار می‌گیرند و ماموریت فرشتگان الهی در لیلۃ‌القدر و جز آن با حضور و شخصیت آنان ارتباط امضاداری پیدا می‌کنند. اینکه این بندگان که موضوع و محور نزول ملائکه قرار می‌گیرند چه کسانی هستند و رازهایی که در شب قدر با آنها در میان گذاشته می‌شود چه می‌باشد، از جمله مسائلی است که در تفسیر ظاهری آیات، اطلاعات چندانی از آنها وجود ندارد، بلکه برخی از روایات تاویلی که ناظر به آیات اوائل سوره‌های دخان و قدر وارد شده، پرده از حقایقی در شناخت حجج معصوم الهی و مقامات آنان برمی‌دارد که این مقاله متکفل واکاوی آنهاست.

## 2- مقدمه - پیشینه و مفاهیم اولیه

نزول قرآن و چگونگی و مراحل آن، از مباحث مشهوری است که در کتب تاریخ و علوم قرآنی از سوی علمای شیعه و اهل سنت مورد بحث قرار گرفته است. علاوه بر دیدگاههای دانشمندان که ریشه در روایات معصومان (ع) و گزارش‌های تاریخی برخی از صحابه و تابعان دارد، موضوع نزول قرآن ریشه‌های مهمی در آیات قرآن دارد که محور بحث مفسران نیز قرار گرفته است از جمله آیات زیر که به عقیده برخی از مفسران - یعنی قائلان به نزول دفعی قرآن - حکایت‌گر نخستین نزول‌های قرآنی است:

1- نزول در ماه رمضان بر پایه: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ» (البقره، 185)

2- نزول قرآن در شبی مبارک بر پایه: «حم وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» (الدخان، 1-4)

3- نزول قرآن در لیلۃ القدر بر پایه: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (القدر، 1)

در کنار آیات یاد شده که از نزول قرآن با تعبیر «انزال» سخن رفته و به عقیده بسیاری از مفسران مبین نزول دفعی است. نحوه دیگری از نزول قرآن نیز قابل تصور است که اصطلاحاً نزول تدریجی است. مرحوم طبرسی جمع این دو نحوه نزول می‌گوید: خدا در این شب همه‌ی قرآن را از لوح محفوظ به آسمان پایین فرود آورد و سپس جبرئیل در مدت 23 سال آن را به تدریج بر پیامبر (ص) نازل کرد. (طبرسی، 10/790)

برخی از آیات نیز با استفاده از ماده تنزیل از نزول قرآن سخن رانده است که بیشتر بر نزول تدریجی و قسمت به قسمت قرآن حکایت می‌کند مانند آیه: «قُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكُثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا» (الاسراء، 105) و نیز نک: علوم قرآنی در مکتب اهل بیت. (ناصحیان، 70-104)

اما جدا از بحث در باره انواع نزول قرآن به دو نحو اجمالی و تفصیلی که خود موضوع پژوهش‌های دیگر است، قدر مسلم آنکه قرآن کریم نزولی در ماه رمضان داشته و بر طبق سوره‌های قدر و دخان این نزول در شبی از شبهای ماه رمضان بوده است. ضمن آنکه در آن شب، علاوه بر نزول قرآن اتفاقات دیگری هم رخ داده است، از جمله «تفریق امور» و قطعی شدن آنها بر اساس آیه کریمه: «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» (الدخان، 4) و نیز «تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» (القدر، 4). همچنین نزول ملائکه الهی به همراهی روح که مامور ابلاغ همین مقدراتند. از آیه دوم سوره نحل نیز استفاده می‌گردد که ملائکه در نزول خود برخی از بندگان شایسته الهی را مورد خطاب قرار داده و یا ابلاغ حوادث و مقدرات را به محضر آنان انجام می‌دهند چنانکه می‌فرماید: «يُنزِلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ» (النحل، 2). نکته دیگر که از ظاهر آیات سوره‌های دخان و قدر برمی‌آید آنکه شب قدر با دو صفت

«مبارکه» و «سلام» منشا برکات و حوادث پر خیر و برکتی است که با اراده الهی نصیب بندگان مومن می‌گردد، لذا عمل نیک در این شب برتر از هزار ماهی است که در آن اثری از لیلة القدر نباشد. (طبرسی، 520/10)

با توجه به مطالب پیش‌گفته به نظر می‌رسد در بین حوادث و وقایع لیلة القدر مهمترین مسئله، همان موضوع نزول ملائکه بر بندگان خاص از مخلوقات الهی است. و فلسفه تکرار لیلة القدر در هر سال را در همین زمینه باید جستجو نمود. بندگان که حقیقت لیلة القدر و اسرار و وقایع آن با وجود آنان هویت پیدا می‌کند به گونه‌ای که در روایتی آمده است که: شخصی از امام باقر (ع) سوال می‌کند که: «آیا شما لیلة القدر را می‌شناسید که در چه شیئی واقع شده است؟ و آن حضرت در پاسخ فرمود: چگونه ما لیلة القدر را نشناسیم در حالیکه ملائکه بر ما نزول و فرود می‌کنند و به دور ما طواف می‌نمایند. (قمی، 432/2\_ بحرانی، 592/9)

نکته قابل ذکر در خصوص جایگاه لیلة القدر، نزول قرآن، فرود آمدن ملائکه، ابلاغ مقدرات، برکت و سلامت این شب که آن را بر هزار ماه فضیلت بخشیده و مباحث دیگر است، همه این وقایع به شکل مجمل در قرآن کریم وارد شده و در طول تاریخ تفاسیر شیعه و سنی به تفصیل از آنها سخن به میان آورده‌اند. اما رویکرد بحث‌های آنان غالباً رویکرد تفسیری بوده که از طریق کنکاش‌های ادبی و استناد به برخی روایات تفسیری حقایق را باز نمایانده‌اند. اما به نظر می‌رسد به مصداق: «ان القرآن ظاهره انیق و باطنه عمیق لا تغنی عجائبه و لا تنقضی غرائبه و لا تکشف الظلمات الا به» (سیدرضی، خطبه 18) همانا قرآن ظاهری زیبا و باطنی ژرف و ناپیدا است. مطالب شگفت‌آور آن تمام نمی‌شود و اسرار نهفته آن پایان نمی‌پذیرد و تاریکی‌ها بدون قرآن برطرف نخواهد شد.

بخشی از حقایق مربوط به اسرار و وقایع لیلة القدر که در ابتدای سوره‌های نحل، دخان و قدر از آن سخن به میان آمده جز از طریق بطن گشایی از آیات به مدد روایات تاویلی قابل وصول نخواهد بود که تلاش می‌گردد در این مقاله از آن پرده‌برداری شود.

### 3- **لله** مبارکه و شب قدر

منشأ و سرآغاز همه خیرات و برکات در نظام کائنات، خداوند متعال است و همه موجودات به اندازه ظرفیت و شایستگی خود از برکات الهی متنعم‌اند.

مبارک از ریشه «برک» به معنای رشد است و به ثبات چیزی هم گفته می‌شود. خلیل گفته است «برکت» از فزونی و رشد است. در مجمع البیان برکت به معنای ثبات خیر به سبب رشد آن بیان شده است. (طبرسی، 73/10)

ابن عباس روایت کرده که معنای برکت، فراوانی در همه چیز است (ابن منظور، 766/10) بنابراین برکت در لغت، به معنای تداوم، رشد و گسترش «خیر» است. امام صادق (ع) واژه مبارک را به نفع (بسیار سودمند) تفسیر فرمود. (ری شهری، 329) علامه طباطبایی پس از نقل کلام راغب اصفهانی درباره برکت (اصل برک سینه شتر است که بر زمین قرار می‌گیرد) می‌گوید: برکت در حقیقت خیری است که در چیزی پایدار و همراه آن است. مانند: برکت در نسل، که به معنای فراوانی نسل و فرزندان یا جاودان ماندن نام به سبب آنان است (طباطبایی، 381/7)

با توجه به مفهوم برکت اینکه شب قدر به مبارک وصف می‌شود به این خاطر است که منبع خیرات است و کسانی که قرآن و عترت را برنامه زندگی خود قرار می‌دهند به برکات آن دست خواهند یافت. چنانچه در مراسم احیاء شهبای قدر مردم با توسل به قرآن خداوند را به حجت‌های الهی قسم می‌دهند تا از فیوضات این شهباه بهره‌مند گردند. اما به نظر می‌رسد که در بین فیوضات لیالی قدر تقدیرهای حسن و نیکو مهمترین برکت را تشکیل می‌دهد.

### 4- **تعیین مقدرات الهی**

قضا و قدر: قضا و قدر از عقاید قطعی اسلامی است که در کتاب و سنت وارد شده و دلایل عقلی نیز آن را تأیید می‌کند. (سبحانی، 84)

امام صادق (ع) فرمود: **أَنَّ الْقَضَاءَ وَالْقَدْرَ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ وَ اللَّهُ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ (صدوق، التوحید، 364)**

قضا و قدر دو آفریده از آفریده‌های خداوند و خداوند در خلق خود آنچه را خواهد زیاد می‌کند.

قدر در لغت به معنی اندازه و مقدار بوده و قضا نیز به معنی حتمیت و قطعیت است (ابن فارس، 63/5، راغب / ماده قدر و قضاء) امام هشتم (ع) در تفسیر قدر و قضا چنین می‌فرماید: «قدر» عبارت است از اندازه گیری شیء از نظر بقاء و فناء و «قضاء» همان قطعیت و تحقق بخشیدن شیء است. (کلینی، 158/1)

قضا و قدر در افعال انسان با اختیار و آزادی او منافاتی ندارد. زیرا تقدیر الهی درباره انسان همان فاعلیت ویژه اوست و آن اینکه او یک فاعل مختار و مرید بوده و فعل و ترک هر عملی در اختیار اوست. به تعبیر دیگر؛ آفرینش انسان با اختیار و آزادی آمیخته و اندازه‌گیری شده و قضای الهی جز این نیست که هرگاه انسان از روی اختیار، اسباب فعلی را پدید آورد، تنفیذ الهی از این طریق انجام گیرد. (سبحانی، 88)

قدر به معنای اندازه و کمیت است و در نتیجه لیلۃ القدر به معنای شب تقدیر امور و تعیین سرنوشت است.

ابوبصیر از امام باقر (ع) روایت کرده است که: به درستی که در نزد خداوند کتابی موقوفه وجود دارد که هر وقت بخواهد بخشی از آن را ارائه می‌نماید پس وقتی لیلۃ القدر می‌آید از آن کتاب امور واقعه برای یکسال را نازل می‌نماید. (بحرانی، 1119/3) بنا به آیه «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» (الدخان، 4)، شب قدر شبی است که هر امری از امور بر طبق حکمت الهیه تفصیل و تبیین می‌شود. تعبیر به یفرق اشاره به این است که همه امور و مسائل سرنوشت‌ساز، در آن شب مقدر می‌شود و تعبیر به حکیم بیانگر استحکام این تقدیر الهی و تغییرناپذیری و حکیمانه بودن آن است. این صفت در قرآن معمولاً برای خدا ذکر می‌شود، ولی توصیف امور دیگر به آن از باب تاکید است. (مکارم شیرازی، 164/2)

ریشه تفریق از «فرق» است که بر جداسازی و تمیز دادن بیان دو چیز دلالت می‌کند. فرقان نیز در قرآن و روایات ناظر به همین ویژگی است.

در تعابیر ائمه (ع) فرقان به عنوان یک امر محکم و استوار معرفی شده است. چرا که با جداسازی حق و باطل هرچه بماند روشن و محکم است. به عبارت دیگر در شب قدر هر امر حکمت‌آمیزی جدا می‌شود یا مشخص می‌گردد (فیض کاشانی، 37/6). در هر سال، شبی به نام شب قدر وجود دارد که در آن شب به تقدیر خدای دانا و حکیم، تقدیری جدید و تفریقی تازه نسبت به حوادثی که در طول سال اتفاق خواهد افتاد، ثبت می‌شود. (استرآبادی، 422)

### 5- امر در لیلۃ القدر

الأمرُ: نقيض النهي، والأمرُ واحد من أمور الناس. (فراهیدی، 297/8) امر به دو معنا به کار رفته است نخست به معنای دستور و فرمان در مقابل نهی و معنای دیگر امر شأن است که امر را نیز در بر می‌گیرد. امر حکیم امری است که به سبب متقن و محکم بودن، اقتضای تعلق نهی و امر را پیدا می‌کند. (طباطبایی، 132/18) امر گستره وسیعی دارد و «کل امر» به معنای همه امور است.

امور به حسب قضای الهی دو مرحله دارند که یکی اجمال و ابهام، و دیگری تفصیل است. شب قدر به طوری که از آیه «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» بر می‌آید شبی است که امور از مرحله اجمال و ابهام به مرحله تفریق و تفصیل بیرون می‌آیند.

با بررسی تفاسیر و روایات، احتمالاتی برای «امر» در شب قدر می‌توان برشمرد: از جمله امور یکی قرآن کریم است که در شب قدر از مرحله احکام در آمده و نازل می‌شود (طباطبایی، 200/18). به عبارت دیگر تاویلات یک ساله آن بر حجت الهی ارائه می‌گردد. پس آیه دلالت دارد بر این که در هر دوره ای تا پایان هستی، باید امامی که تمام امور دین را بداند موجود باشد. (مجلسی، مرآه العقول، 78/3 و 79). امام سجاد (ع) در دعای 42 صحیفه سجادیه (ختم قرآن) چنین فرمودند: «اللهم انك انزلته على نبيك محمد (ص) مجملاً و الهتمته علم عجائبه مكماً و...». بار الهی تو قرآن را بر پیغمبرت که درود تو بر او و خاندانش باد مجمل و سر بسته نازل کردی، و دانش عجائبش را به طور کامل به او الهام فرمودی و...

یکی دیگر از مصادیق امر در شب قدر تعیین مقدرات و سرنوشت انسان است. چنانچه در روایتی از امام صادق (ع) داریم: «هنگامی که شب قدر می‌شود فرشتگان و روح القدس و نویسندگان الهی به آسمان دنیا، فرود می‌آیند پس می‌نویسند هر آنچه از قضای الهی در این سال رخ خواهد داد (قمی، 366/2 - فیض کاشانی، 549/6).

در «غیبت نعمانی» در روایتی از امام صادق (ع) درباره آیه «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ» (النحل/1) آمده است که منظور از امر همان قیام حضرت حجت (عج) است. (شریف عاملی، 186/1) به استناد آیات سوره مبارکه دخان و قدر برای خداوند در آن شب امری هست و باید کسی (امامی) باشد که امر خدا را دریافت نماید (استرآبادی، 1017) که این شخص صاحب الامر و همان حجت معصوم الهی و متولی امر خداوند در شب قدر خواهد بود. در این رابطه از امام باقر (ع) روایت است که فرمود: ای گروه شیعه! با آیات «حَمَّ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ» با مخالفان مواجهه و استدلال نمایید. پس به درستی که این آیات مخصوص والیان امر امامت پس از رسول خدا (ص) می‌باشد. (کلینی، 249/1) ذیل آیه 1 سوره قدر روایتی آمده است که در این شب مقدرات به جانب مردمی می‌آید که در نماز و دعا هستند و صاحب این امر (امام) به رسیدگی به امور نازل شده از جانب خدا (اموری که طی یک سال از غروب آفتاب تا طلوع آن واقع می‌شود) توسط ملائکه می‌پردازد: «من كل امر سلام هي حتى مطلع الفجر». (صفار، 220)

همانا سال به سال در شب قدر تقدیر و بیان کارها بر ولی امر - امام زمان (عج) - نازل می‌شود و در آن شب امام (ع) برای کارهای خودش چنین و چنان دستور می‌گیرد و درباره کار مردم هم به چنین و چنان مأمور می‌شود (کلینی، 248 - فیض کاشانی، 28/6)

## 6- حجت الهی و شب قدر

حجت دلالتی است روشن بر اساس راه مستقیم با قصد و هدف و چیزی که بر صحت و درستی یکی از دو نقیض اقتضاء حکم می‌کند. واژه حجت در اصل به معنای غلبه بوده و



به معنی دلیل و برهان است و واژه احتجاج به معنی استدلال کردن به کار می‌رود. (ابن منظور، 328/2) در بیان اقسام حجج امام کاظم خطاب به هشام فرمود:

ای هشام! همانا خداوند بر مردم دو حجت ظاهری و باطنی قرار داده است که حجت ظاهر همان رسولان و انبیاء و ائمه (ع) و حجت باطن عقل است. (عروسی حویزی، 776/1) و طبق روایتی دیگر ما (آل محمد) حجت بالغه خدا بر تمام کسانی هستیم که در زیر آسمان و بر روی زمینند (عباشی، 122/1) حضرت مهدی (عج) فرمود: ما حجت‌های خدا بر مردمان هستیم و مادرمان فاطمه سلام الله علیها حجت خدا بر ما هستند. (بحرانی اصفهانی، 190/11 و طبری، 172) از امام کاظم (ع) روایتی است که طبق آن شخصی نصرانی نزد آن حضرت آمد و از تفسیر باطنی آیات نخست سوره دخان سؤال کرد، امام فرمود: اما «حم» مقصود حضرت محمد (ص) است و این نام در کتابی که بر هود نازل شده، آمده است و آن حروفش کاسته شده است. و اما «الکتاب المبین» پس حضرت امیر المؤمنین علی (ع) است و اما تاویل لیلۃ مبارکه، حضرت فاطمه (س) است و اما قول خدا «فیها یفرق کل امر حکیم» یعنی از نسل حضرت فاطمه (س) خیر کثیری استمرار یابد و آن مردی حکیم است و آنگاه مردی حکیم و مردی حکیم است (امام حسن (ع) - امام حسین (ع) - امام سجاد (ع)). مرد نصرانی گفت: «اولین و آخرین این مردان را برای من معرفی کن». امام (ع) فرمود: اوصاف این رجال به یکدیگر شباهت دارند. (بیان اوصاف شخصی ممکن نیست) ولی من سومی آن قوم (امام حسین (ع)) را برای تو معرفی و توصیف می‌کنم که چه کسی از نسل او ظاهر می‌شود (امام زمان (عج)) و اوصاف او در کتاب‌هایی که بر شما نازل شده است، موجود می‌باشد. اگر تغییرش نداده باشید و تحریفش نکنید و کفر نورزید. (کلینی، 478/1 - فیض کاشانی، 29/6) می‌دانیم که قرآن کریم دارای ظاهر و باطن است تاویل هم در بیان باطنی قرآن ظاهر می‌گردد. در این روایت کتاب مبین به حضرت امیر (ع) تاویل شده است و منظور از «یفرق من کل امر حکیم» ائمه هدی (ع) می‌باشند و لیلۃ مبارکه نیز به حضرت فاطمه (س) اطلاق شده است. [ایشان فاطمه نام گرفت

چرا که مردمان از شناختش فطم گشته و بازداشته شده‌اند - یا در شناختش به تردید افتادند - «و تو چه میدانی که شب قدر چیست؟ شب قدر از هزار ماه بهتر است.» یعنی از هزار مؤمن بهتر است و او مادر مؤمنان است. [فرات کوفی، 666]

واژه مبارکه از القاب حضرت زهرا سلام الله علیها می‌باشد که با تأویل شب قدر به ایشان تناسب دارد چرا که حضرت ظرف وجودی ائمه اطهار علیهم السلام و ام‌الائمہ (س) هستند و نسل حضرت رسول صلی الله علیه و اله به واسطه وجود ایشان ادامه می‌یابد. حضرت کوثر به معنای خیر کثیر هستند و در سوره کوثر خداوند خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید ما به تو خیر کثیر عطا نمودیم (الکوثر، 1) نسلی جاودان و پایدار که سرآمد خلقت‌اند. امام صادق (ع) هم در روایتی فرمود: "نحن اهل بیت الرحمه و بیت النعمه و بیت البرکه" (عیاشی، 243/2) ما خاندان رحمت و خانواده نعمت و دودمان برکتیم. و در حدیث دیگری از امام زین العابدین آمده است: "نحن ائمه المسلمین، و حجج الله علی العالمین... بنا ينزل الغیث و تنشر الرحمه و تخرج بركات الارض" (صدوق، کمال‌الدین، 207/22 و امالی، 253 و طبرسی، 151/2 و ابن شهر آشوب، 167/4) ما پیشوایان مسلمانان و حجت‌های خدا بر جهانیانیم. به واسطه ما باران می‌بارد و رحمت منتشر گردد و برکت‌های زمین می‌روید.

## 7- لایة القدر و نزول ملائکه و روح

جعل شب قدر فعل خداوند است و شب قدر از ابتدای آفرینش دنیا وجود داشته است. ملائکه و روح به امر پروردگار در شب قدر بر حضرت آدم (ع) فرو فرستاده شد و سپس برای انبیاء و اوصیاء ایشان ادامه داشت و تا روز قیامت ادامه دارد. اگر حجت معصوم الهی در زمین نباشد شب قدری هم نخواهد بود. همواره بر اهل زمین "حجتی" هست تا در آن شب، امر خود را بر او نازل فرماید. (استرآبادی، 1017)

نزول ملائکه و روح به استناد آیات سوره قدر یکی از وقایع شب قدر است. در تأویل الایات چنین آمده است:

خداوند متعال در سوره قدر خطاب به پیامبر (ص) فرمود: «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» و تو چه می‌دانی شب قدر چیست؟ رسول خدا (ص) عرض کرد: آری نمی‌دانم و خداوند فرمود: شب قدر از هزار ماه که [شب قدر در آن نباشد] بهتر است و خداوند به رسولش فرمود و آیا می‌دانی که چرا آن شب بهتر از هزار ماه است. و پیامبر گفت: خیر [نمی‌دانم] «و هل تدري لم هی خیر من الف شهر؟» قال : لا.... تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ. (استرآبادی، 1011) این حدیث بیانگر این مطلب است که یکی از فضیلت‌های شب قدر، نزول ملائکه و روح است. مطلب مهمی که در این بخش حائز اهمیت است اینکه ملائکه و روح چه کسانی هستند؟

ملائکه: موجوداتی صاحب عقل و شعور هستند و وظایف گوناگونی بر عهده دارند. بندگان گرامی خداوندند (الانبیاء، 26) و همواره به تسبیح و تقدیس پروردگار مشغولند (الشوری، 5) به فرمایش ائمه هدی علیهم السلام در شب قدر فرشتگان برگرد ایشان طواف می‌کنند. (قمی، 290/2)

اما روح به معانی مختلفی آمده است. آن‌چه زندگی انسان به آن وابسته است و مونت می‌باشد و به معنای قرآن، وحی؛ حضرت جبرئیل، حضرت عیسی (روح الله) و فرشته‌ای که چهره‌اش مثل چهره‌ی انسان است و جسمش همچون ملائکه است، دمیده شده، حکم پیامبری، حکم و امر خداوندی نیز می‌باشد. (شریف عاملی، 397/1)

در تفسیر «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» از امام صادق (ع) آمده است که روح بزرگتر از جبرئیل می‌باشد و جبرئیل از فرشتگان است و روح مخلوقی است بزرگتر از فرشتگان و دلیلش آن است که خداوند می‌فرماید: «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ» فرشتگان، و روح نازل می‌گردند معلوم می‌شود که روح غیر از فرشتگان است. (کلینی، 386/1) علامه طباطبایی طبق روش تفسیری خود ایه چهار سوره قدر را با آیه 85 سوره اسری تفسیر کرده است «قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي» روح از امر پروردگار من است.

مرحوم طباطبائی در تفسیر سوره مبارکه قدر به استناد اولاً فعل تنزل در آیه شریفه تنزل

الملائکه والروح که مضارع است و دلالت بر استمرار نزول ملائکه دارد و ثانیاً آیه شریفه «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» (الدخان، 4) که دلالت بر تکرار تفریق در هر سال دارد، ضمن آن که کلمه یفرق نیز فعل مضارع است و استمرار را می‌رساند، نتیجه گرفته‌اند که لیلۃ‌القدر تا روز قیامت استمرار دارد و محدود و محصور به زمان پیامبر (ص) نمی‌باشد.

شیخ طبرسی در مجمع البیان روایتی از ابوذر غفاری نقل می‌کند که ابوذر از پیامبر (ص) پیرامون لیلۃ‌القدر سؤال می‌نماید که یا رسول‌الله! آیا لیلۃ‌القدر شبی است که در عهد انبیاء بوده و امر بر آنان نازل می‌شد و چون از دنیا رفتند، شب قدر هم تمام و رفع می‌شود؟ ایشان فرمود: خیر بلکه شب قدر تا روز قیامت هست. (طبرسی، 786/10). همچنین در کتاب احتجاج مضمون حدیثی چنین است که اگر بعد از پیامبر (ص) این باب بسته بود به جای تنزل که دلالت بر پیوستگی این کار و آینده (فعل مضارع) است نزلت و به جای تفریق، فرق من کل امر حکیم به کار می‌رفت (طبرسی، 252/1 و شریف عاملی، 249/8). لذا آنچه از روایات تفسیری استنباط می‌شود، پیوند عمیق بین امام عصر حضرت مهدی (عج) و شب قدر برقرار است، به گونه‌ای که امام و حجت خدا (عج) صاحب اصلی این شب هستند و نزول ملائکه و روح بر حضرت واقع می‌شود و حضرت متولی شب قدر می‌باشند.

## 8- حضرت ولی عصر (عج) متولی شب قدر

براساس معارف و روایات رسیده، معصومان علیهم‌السلام دوستان خود را در مقام احتجاج با مخالفان به سوره قدر و دخان توصیه می‌فرمایند و شاید در همین مقام باشد که خداوند می‌فرماید: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» یعنی اعتقاد به اصل «امام و حجت معصوم الهی» که صاحب لیلۃ‌القدر است، افضل از یک عمر بدون شناخت امام است و پیامبر (ص) فرمود: من مات بغير امام مات ميتة جاهلیة (مجلسی، 12/8) یعنی کسی که امام زمان خویش را نشناسد به مرگ جاهلیت می‌میرد. و اینک در عصر غیبت حضرت مهدی (عج) به سر می‌بریم. قطعاً صاحب این امر دارای غیبتی است که چاره‌ای از آن

نیست و هر که اهل باطل است در آن دوران به شک و تردید خواهد افتاد؛ «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ» (النحل، 1) منظور قیام قائم (عج) است. (شریف عاملی، 186/1)

حکمت غیبت او همان حکمتی است که در غیبت حجت‌های پیشین خدا بود و این حکمت بعد از ظهورش آشکار خواهد شد چنانکه حکمت کارهایی که خضر انجام داد از سوراخ کردن کشتی و کشتن پسر بچه و ساختن دیوار، تنها به هنگام جدایی از موسی، برای موسی آشکار شد. «غیبت» امری است از امور خداوند و رازی است از رازهای او که از حکمت آن بی‌خبریم.

و هنگامی که دانستیم خدای بزرگ، حکیم است تصدیق خواهیم نمود که تمامی کارهای او حکیمانه است گر چه راز آن کارها بر ما پوشیده باشد. (صدوق، کمال‌الدین 481/2 و علل الشرائع، 245 و مجلسی، 52/91)

پیامبر (ص) فرمود: من انکر المهدی فقد کفر یعنی کسی که وجود مهدی (عج) را انکار کند کافر است (مجلسی، 51/51 - صافی گلپایگانی، 492/10)

بر طبق روایات در شب قدر، سفر حاجیان و هر آنچه در سال آینده اتفاق خواهد افتاد از اطاعت، نافرمانی، مرگ و زندگی نوشته می‌شود و خداوند در شب و روز قدر هر چه اراده کند را پدید آورده، سپس آن را به صاحب زمینی می‌سپارد. از امام می‌پرسند صاحب زمینی کیست؟ امام می‌فرماید: صاحب شما (امام معصوم (ع)) است. (صفار، 221 - مجلسی، 22/94)

در همین روایت حضرت علی (ع) در پاسخ زندقه صراحتاً "صاحب امر" را "اصفیاء" و سفیران بین خدا و خلق و "وجه الله" و "بقیه الله" معرفی کرده‌اند. (عروسی حویزی، 879/6)

### 9- شب قدر و مقام سلام (سلام هی حتی مطلع الفجر)

سلام یکی از اسامی حق تعالی است. در مفردات راغب آمده است که کلمه سلام و سلامت به معنی عاری بودن از آفات ظاهری و باطنی است. (راغب، ماده سلم) و این سلام به استناد روایات می‌تواند دعایی باشد که از جانب رسول خدا (ص) در شب قدر به مؤمنان

می‌رسد و تا طلوع فجر (که تأویل آن ظهور حضرت است) ادامه می‌یابد. (کلینی، 451/1) سلام گفتاری از جانب پروردگار مهربان به سوی مومنان است. «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ» (یس، 58) سلام از جانب حضرت رسول (ص) تجدید بیعتی توأم با خیر و رحمت است. شب قدر موهبتی عظیم برای حضرت رسول (ص) و امت ایشان است و سلام و درود تا طلوع فجر جریان دارد. قمی می‌گوید: تحیتی است که با آن امام توحیت داده می‌شود تا اینکه صبح طلوع کند. امام جعفر صادق (ع) در تفسیر «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» فرمود: نام دیگر سلام نور است که تا ظهور امام روشن است و در خدمت امام می‌باشد. امام سجاد (ع) در صحیفه سجادیه چنین می‌فرماید: آنگاه خدای تعالی شبی از شبهای آن را بر شبهای هزار ماه برتری داد و آن را شب قدر نامید. فرشتگان و روح در آن شب همه امور را به اذن پروردگارشان فرود می‌آورند. این شب تا طلوع فجر به قضای محکم الهی سلام و برکتش جاویدان است بر بندگانی که مورد خواست الهی قرار گیرند. (صحیفه سجادیه، 213، دعای 44) بنا بر این «سلام» در شب قدر موضوعیت داشته و از فضیلت‌های شب قدر به شمار می‌آید و مایه برتری امت حضرت رسول بر دیگر امم می‌باشد.

در مجمع البیان آمده است که حضرت رسول (ص) خطاب به خداوند عرض کرد: ای پروردگارا! عمرهای امت مرا کوتاه‌ترین عمرها قراردادی و کمترین اعمال را دارند پس خداوند در مقابل آنها، شب قدر را به او عطا نمود و فرمود: شب قدر بهتر از هزار ماهی است که فردی از بنی اسرائیل سلاح را در راه خدا حمل نموده و جهاد نماید. تا روز قیامت در هر ماه رمضان، هم بر تو و هم بر امتت پس از شما سلامت است (طبرسی، 520/10)

\* فرات بن ابراهیم کوفی روایت کرده است: امام جعفر صادق (ع) درباره آیه «به فرمان پروردگارشان برای هر امری نازل می‌شوند» فرمود: یعنی برای هر امری همراه با سلام به سوی حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) نازل می‌شوند. (فرات کوفی، 665)

## 10- نتایج مقاله

10-1. معنای باطنی این سخن خداوند که فرموده «فیها یفرق من کل امر حکیم» این

است که از حضرت زهرا(س) خیری کثیر منتشر می‌شود که عبارتند از مردانی حکیم امام حسن(ع) امام حسین(ع) امام سجاد(ع) تا آخرین امام که همگی از نسل حضرت زهرا(س) و مصداق کامل خیر فراوان هستند.

2-10. از فضایل شب قدر علاوه بر نزول قرآن و امضاء مقدرات الهی، نزول ملائکه و روح بر حجت معصوم الهی است که ایشان متولی امور هستند. و این امر تا روز قیامت ادامه دارد و به تصریح روایات آیات ابتدائی سوره دخان مخصوص والیان امر امامت پس از رسول خدا(ص) است.

3-10. به استناد تفاسیر روایی "حم" از منظر تاویل حضرت محمد(ص) و "کتاب مبین" حضرت علی(ع) می‌باشند.

4-10. همواره بر اهل زمین حجتی خواهد بود تا در آن شب، امر خود را بر او نازل فرماید و اگر حجت معصوم خداوند در زمین نباشد، شب قدری هم نخواهد بود.



## کتابشناسی

1. قرآن کریم.
2. صحیفه سجادیه.
3. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب ابن شهر آشوب، مؤسسه انتشارات علامه، قم 1379 ش.
4. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، مکتب الاعلام الاسلامی، بیروت 1404 ق.
5. ابن منظور، محمد ابن مکرم، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت 1408 ق.
6. بحرانی، عبدالله، عوالم العلوم و المعارف، انتشارات مدرسه الامام المهدی، قم، 1405 ق.
7. بحرانی، سید هاشم، ینابیع المعاجز ترجمه کوشکی، دلیل ما، قم 1387 ش.
8. همو، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران 1416 ق.
9. راغب اصفهانی، ابوالقاسم، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه الرضیه، تهران 1336 ش.
10. سبحانی، جعفر، منشور عقاید امامیه، مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ شنتم، قم 1389 ش.
11. سیدرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، مترجم محمد دشتی، طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی، 1394 ش.
12. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثاني عشر، مکتب ایت الله لطف الله گلپایگانی، 1422 ق.
13. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1413 ق.
14. همو، کمال الدین و تمام النعمه اسلامی، تهران 1395 ش.
15. همو، علل الشرایع و الاحکام، انتشارات مکتبه الحیدریه، قم 1384 ش.
16. همو، التوحید، انتشارات جامعه مدرسین، قم 1422 ق.
17. همو، معانی الاخبار، انتشارات جامعه مدرسین، قم 1361 ش.
18. صفار، ابوجعفر حسن بن فروخ، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، انتشارات بقیه الله، قم، چاپ 2، 1396 ش.
19. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر قرآن به ترجمه محمدباقر همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم، چاپ پنجم، 1374 ش.
20. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، نشر مرتضی، مشهد 1403 ق.
21. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، انتشارات ناصر خسرو، تهران 1372 ش.
22. الطبری، محمد بن جریر، دلائل الامامه، مؤسسه البعثه، قم، 1413 ق.
23. عبدالباقی، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، دارالکتب المصریه، القا، 1364 ش.
24. عروسی حویزی جمعه، تفسیر نورالتقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم 1415 ق.
25. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، چاپخانه علمیه، تهران 1380 ق.
26. فرات بن ابراهیم بن فرات، تفسیر فرات، انتشارات دلیل ما قم، چاپ دوم، 1392 ش.
27. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، مؤسسه دارالهجره، قم 1414 ق.



28. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، تفسیر صافی، ترجمه عقیقی بخشایش، دفتر نشر نوید اسلام، چاپ پنجم، قم 1387 ش.
29. قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم، تفسیر القمی، مؤسسه دارالکتب، قم 1404 ق.
30. کفعمی، ابراهیم بن علی، مصباح الکفعمی، الشریف الرضی، قم.
31. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران 1365 ش.
32. مجلسی، محمدباقر، مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول، دارالکتب الاسلامیه، تهران، 1363 ش.
33. همو، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1405 ق.
34. محمدی ری شهری، محمد، خیر و برکت از نگاه قرآن و حدیث، ترجمه جواد محدثی، چاپ پنجم، دارالحدیث، قم 1393 ش.
35. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، 1391 ش.
36. ملکی میانجی، محمدباقر، توحید امامیه، تهران، مؤسسه نیا، 1378 ش.
37. ناصحیان، علی اصغر، علوم قرآنی در مکتب اهل بیت، چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم، 1390 ش.
38. نجفی حسینی، سیدشرف الدین، تأویل الایات الظاهره فی فضائل الغره الظاهره، ترجمه دکتر رضوی، چاپ و نشر بین الملل، تهران 1393 ش.
39. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، مکتب الصدوق، تهران، 1397 ش.
40. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، الاعلمی، بیروت 1997 م.



